

بررسی عرصه‌ها و حوزه‌ها و وظایف حوزه، روحانیت و دولت در تربیت سیاسی از دیدگاه شهید صدر

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۰ تاریخ تأیید: ۹۸/۱۲/۱۴

محمدهادی سمتی*

چکیده

تربیت سیاسی، عنصری مهم در پویایی جامعه و عاملی مهم برای کنش گری مثبت افراد، مجریان و تئوریزه کنندگانی است که باید از جایگاه خود برای عمل به وظیفه عمل کنند. عرصه‌ها و مجریان تربیت سیاسی دو محور مورد بحث در این مقاله هستند که از منظر شهید سید محمدباقر صدر بررسی شده است. از آنجایی که عرصه و حوزه‌های تربیت سیاسی چندان روشن نیست و بازتعریف نشده است بنابراین در این بخش دو عنصر مرجعیت صالحه و ایجاد حزب به عنوان محورهای مهم و کلیدی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بخش مربوط به نهادهای متولی تربیت سیاسی، شهید صدر حوزه و روحانیت را با رویکرد دنیا نگر و تکلیف گرایی و علم‌آموزی هدفمند، مسئول هدایت سیاسی جامعه تلقی می‌کند که وظیفه دارند برخلاف آنچه استعمار می‌خواهد، مدیریت سیاسی جامعه را بر اساس آموزه‌های دینی اجرا کنند. وی با تأکید بر این مطلب که دولت، مظهر و نشانه والای وحدت سیاسی در میان جامعه انسانی است، تلاش برای جامعه‌پذیری سیاسی و مشارکت سیاسی را از وظایف دولت برمی‌شمارد که این هر دو از وظایف دولت در امر تربیت سیاسی محسوب می‌شوند. روش این تحقیق بر اساس دو علت از مجموعه علل اربعه - علت صوری و علت فاعلی - است که به ترتیب عرصه‌های تربیت سیاسی و کار ویژه حوزه و روحانیت و دولت را در تربیت سیاسی بررسی می‌کند. حوزه و روحانیت از آن جهت که تبلیغ اسلام باید همه عرصه‌های زندگی - از جمله سیاست - را در برگیرد و دولت از جهتی که استحقاق سیاسی و مدیریت عالی سیاسی اسلام را دارا است، در تربیت سیاسی جامعه نقش ویژه‌ای دارند.

واژه‌های کلیدی: سید محمدباقر صدر، تربیت سیاسی، حوزه و روحانیت، دولت.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
www.iranicaonline.com

مقدمه

موضوع تربیت سیاسی، دشواری و پیچیدگی خاص خودش را دارد؛ زیرا از دو مقوله تربیت و سیاست ترکیب یافته و این هر دو نیز مورد بحث و بررسی‌های گوناگون قرار گرفته‌اند و تعاریف مختلفی درباره واژه تربیت و سیاست یافت می‌شود.

«تربیت سیاسی یکی از مهم‌ترین ساحت‌های تربیت اجتماعی انسان است. اگر تربیت را ایجاد زمینه‌ها، رفع موانع و استفاده از عوامل و شیوه‌های مؤثر در پرورش و شکوفایی استعدادهای فطری متری و ایجاد تعادل و هماهنگی میان استعدادهای گوناگون او بدانیم تا از این راه، متری در یک‌روند تدریجی و مستمر با اراده آزاد و فعال به شکل درونی به سوی کمال مطلق (خدا) رهنمون شود» و سیاست را به موضوع آن یعنی «قدرت» تعریف نماییم، باید گفت که تربیت سیاسی یعنی پرورش و شکوفاسازی استعدادهایی که مربوط به بعد سیاسی انسان و ویژگی عمومی او، یعنی قدرت است تا از این راه، متری ضمن فهم روابط قدرت و پیچیدگی نظام‌های سیاسی در درون شبکه وسیع قدرت، آگاهانه و فعال، عمل نماید. شئون قدرت؛ زمینه‌ها، عوامل و موانع بسیار سهمگینی ایجاد می‌کند که انسان امروزی ناگزیر برای تربیت همه‌جانبه خود و شکوفا ساختن فطریات خویش، نیازمند تدبیر و برنامه‌ریزی بسیار دقیق در جنبه‌های فردی و اجتماعی خواهد بود». (تربیت سیاسی: چپستی، آسیب‌ها و راهکارها، فصلنامه راه تربیت، سال دوم، شماره پنجم، تابستان ۸۷، ص ۶)

سختی سخن گفتن از مسئله تربیت سیاسی در حالی است که تربیت سیاسی قدمتی به درازای زمانه ارسطو و افلاطون دارد اما همچنان نیازمند بررسی و تحقیق مبسوط است تا تمام زوایای آن به‌طور دقیق آشکار و تبیین شود. ما در این مقاله به بررسی عرصه‌های

تربیت سیاسی و همچنین کار ویژه متولیان نهادینه‌سازی آن در جامعه اسلامی همت گمارده‌ایم.

الف: عرصه‌ها و حوزه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه شهید صدر

ما با طرح علت صوری به دنبال پاسخی به این پرسش هستیم که عرصه و حوزه‌های بروز و ظهور تربیت سیاسی از منظر شهید صدر چیست؟

۱- مرجعیت صالحه

شهید صدر در بحث خلافت انسان و گواهی پیامبران چند نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد که باید قبل از ورود به عرصه‌های تربیت سیاسی آن‌ها را مرور کنیم:

۱. خلافت، اختصاص به شخص آدم علیه‌السلام نداشته و جنس انسان‌ها در امتداد تاریخ را شامل می‌شود.

۲. شالوده و زیربنای خلافت، حکومت است؛ یعنی تا زمانی که خلافت تحقق نیابد حکومت نیز قابل اجرا نخواهد بود. به عبارتی؛ نتیجه خلافت انسان در زمین، حکومت مردم بر مردم و مشروعیت آن است.

۳. خلافت انسان دارای ویژگی‌هایی زیر است:

۳-۱ انتساب جماعت بشری به محوری واحد و ایمان به حاکم و مالکی واحد برای هستی که خداوند متعال باشد. (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۵۱) «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عِبْدُونَ.» (سوره بقره (۱)؛ آیه (۱۳۸)؛ این است نگارگری الهی و کیست خوش‌نگار تر از خدا؟ و ما او را پرستندگانیم.

۳-۲ برپایی مناسبات اجتماعی بر اساس بندگی خالصانه نسبت به خداوند و آزادی انسان از بندگی نام‌هایی که مظهر انواع بهره‌کشی و نادانی و طاغوت هستند. (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۵۱) «مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا» (سوره یوسف (۱۲)؛ آیه ۴۰)؛ شما به جای او جز نام‌هایی چند را نمی‌پرستید.

۳-۳ عینیت بخشیدن به روح برادری همگانی در تمام مناسبات اجتماعی مطابق معیارهای کرامت در پیشگاه خداوند، برتری یک فرد نسبت به دیگری تنها بر اساس عمل صالح است یا تقوا یا علم و یا جهاد. (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۵۱ و ۱۵۲) «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (سوره نجم (۵۳)؛ آیه ۳۹)

۴-۳ خلافت و جانشینی به معنای سپردن امانت است، امانت مسئولیت آور بوده، احساس وظیفه را بر انسان مقرر می‌کند. (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۵۲) «إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (سوره اسراء (۱۷)؛ آیه ۳۴)؛ زیرا که پیمان، پرسش خواهد شد.

۱. از سویی دیگر در کنار خط خلافت انسان، خط شهادت و گواهی قرار می‌گیرد که کار ویژه‌اش، حفظ انسان خلیفه شده از انحراف به سوی باطل و هدایت به سمت اهداف تکامل یافته خلافت است.

۲. شهید صدر معتقد است که خط شهادت و گواهی به ترتیب در افراد زیر نمود پیدا می‌کند:

الف) پیامبران.

ب) امامان که امتداد ربانی پیامبر در خط گواهی هستند.

ج) مرجعیت که امتداد ره‌یافته خط پیامبر و امام در امر گواهی و شهادت است و نقش

مشترک این سه صنف در موارد زیر پدیدار می‌شود:

ج-۱ فراگیری رسالت آسمانی و حفظ و حراست آن. (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۶۰ و ۱۶۱)
«بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ» (سوره مائده (۵)؛ آیه ۴۴)؛ به سبب آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شد و بر آن گواه بودند.

ج-۲ مراقبت و اشراف بر فعالیت انسان در جهت ایفای نقش خود در خلافت و جهت‌دهی به او به میزانی که به رسالت آسمانی و احکام و مفاهیم آن مربوط می‌شود. (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۶۱)

ج-۳ دخالت در جهت جلوگیری از انحراف و اتخاذ هرگونه تدبیر ممکن برای سلامت مسیر خلافت. (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۶۱)

با توجه به کار ویژه‌های شهید و گواه که باید عملکرد خلیفه را به‌طور دقیق رصد و نظارت کند، مرجع به‌عنوان شهید و گواه وظیفه دارد تا خط خلافت را در مسیر تربیت‌یافتگی نگاه دارد و سعی کند تا انسان خلیفه به بالاترین درجه کمال در تربیت برسد که تربیت در ساحت سیاست نیز بخش مهمی از آن محسوب می‌شود.
(د) لزوم تربیت گروه‌های اجتماعی در ساحت سیاست؛

ازجمله موضوعاتی که در جامعه‌شناسی سیاسی موردبحث قرار می‌گیرد، رابطه میان دولت و طبقات یا گروه‌های اجتماعی است. حسین بشیریه در کتاب جامعه‌شناسی سیاسی با بیان این مطلب که موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی بررسی روابط متقابل میان قدرت دولتی و نیروهای اجتماعی است می‌نویسد:

«گرچه سلطه و زور مهم‌ترین عنصر جامعه سیاسی است لیکن حکومت‌ها نیازمند جلب حمایت و رضایت مردم نیز هستند تا قدرت خویش را مشروع جلوه دهند. وقتی اطاعت و تابعیت مردم از حکومت مبتنی بر دلایل و اصول کلی و اخلاقی باشد، قدرت و اجبار دولتی با سهولت بیشتری پذیرفته می‌شود».
(بشیریه، ۱۳۹۶، ص ۲)

اطاعت و تبعیت مردم از حکومت‌ها در صورتی شکل می‌گیرد که از سوی حاکمیت برنامه‌ای برای فرمان‌بردار ساختن نیروهای اجتماعی تدوین شود که ما نام آن را تربیت سیاسی می‌گذاریم.

تربیت نیروهای شایسته از مراحل سه‌گانه تاریخ امامان اهل‌بیت علیهم‌السلام است که شهید صدر آن را تقریر کرده است.

ایشان معتقد است که امامان اهل‌بیت سه مرحله تاریخی را طی کرده‌اند و تشکیل گروه‌های شایسته در مرحله دوم اتفاق افتاده که تقریباً از زمان امام باقر علیه‌السلام شروع می‌شود. خصوصیت این گروه، ایمان به اهل‌بیت و پذیرش رهبری آن‌ها و قبول کردن مفهوم ارائه‌شده از اسلام توسط ائمه صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین است.

«مأموریت جدید این بود که امامان علیهم‌السلام از میان مجموع امت که در کمترین حد مصون گشته بودند، گروهی شایسته بسازند. باید از میان امت مجموعه‌ای برمی‌گزیدند و آنان را در بیشترین حد ممکن مصون می‌ساختند و در بیشترین حد ممکن آگاه می‌نمودند تا این گروه، پیشگام و راهبر و پشتیبانی باشند برای آن مجموعه اسلامی که در کمترین حد مصون گشته بودند». (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۴۰ و ۱۴۱)

با بیان این مقدمه ضرورت طرح مسئله مرجعیت صالح، نمودار می‌شود و ما در ادامه به بررسی این مسئله به‌عنوان خاستگاه تربیت سیاسی خواهیم پرداخت.

شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر معتقد است که مرجعیت صالح اهدافی حقیقی و روشن را برای خدمت به اسلام انتخاب می‌کند که در پنج محور خلاصه می‌شود:

۱. نشر احکام اسلام در میان مسلمانان

۲. ایجاد یک جبهه فکری گسترده که همه مفاهیم آگاهانه اسلامی را - از جمله مفاهیم بنیادینی که تأکید می‌کند اسلام، نظامی کامل است- دارا باشد به‌علاوه به‌کارگیری روش‌های ممکن برای تثبیت این مفاهیم.

۳. رفع نیازهای فکری اسلامی برای فعالیت‌های اسلامی... و گسترش دامنه فقه اسلامی به‌گونه‌ای که بتواند همه بخش‌های زندگی بشر را در بر گیرد.

۴. سرپرستی و مدیریت فعالیت‌های اسلامی و نظارت بر مفاهیمی که فعالان اسلامی در نقاط مختلف جهان اسلام ارائه می‌کنند و تأیید و پشتیبانی مفاهیم صحیح و تصحیح مفاهیم غلط.

ایجاد و اعطای جایگاه رهبری امت برای کلیه علما-از مرجع تا پایین‌ترین مرتبه علما- با بر عهده گرفتن تأمین منافع امت و اهتمام و عنایت به مسائل مردم و حمایت از فعالان اسلامی. (مؤذنی، ۱۳۹۴، ص ۵۰۳ و ۵۰۴)

در طرح مرجعیت صالح که شهید صدر از آن به‌عنوان مرجعیت تشکیلاتی یاد می‌کند، رشد و ارتقاء تمامی نیروهای اجتماعی مورد لحاظ قرار می‌گیرد و محور و هدف اصلی تربیت نیروهای اجتماعی است. شهید صدر به ایجاد دستگاه مرجعیت معتقد است. دستگاهی که دو بخش دارد؛ بخش درونی و بخش بیرونی.

در آنچه به بخش درون دستگاهی مربوط می‌شود، افرادی با اهداف روشن و از پیش تعیین‌شده و با منطقی کلی‌نگر در گرد مرجع جمع می‌شوند و به‌اصطلاح نیروهای اداری دستگاه مرجعیت را تشکیل می‌دهند. در بخش بیرون دستگاهی نیز سرپرستی فعالیت‌های اسلامی موردنظر است. برای پیشبرد دستگاه مرجعیت در دو بخش بیرونی و درونی کمیته‌های شش‌گانه‌ای ایجاد می‌شود که البته درنهایت باعث ارتقاء یافتگی نهاد مرجعیت نیز خواهد شد.

ایجاد و رونق مرجعیت تشکیلاتی مساوی خواهد بود با تربیت نیروهای شایسته در ساحت‌های گوناگون که تربیت سیاسی گروه‌های هدف نیز از جمله آن‌ها خواهد بود.

به اعتقاد شهید صدر «راه طبیعی برای آغاز به اجرا درآوردن مرجعیت تشکیلاتی این است که مرجعیت صالح، اهداف و وظایف خود را از طریق تشکیل کمیته‌ها و مجموعه‌های متعددی که نیازهای کار تشکیلاتی و توانایی‌های فردی و اجتماعی مرجعیت به تدریج اقتضا می‌کند، پیگیری کند و به مرور آن کمیته‌ها و مجموعه‌ها را با یکدیگر مرتبط سازد و آن قدر آن‌ها را گسترش بدهد که درنهایت یک سازمان کامل و فراگیر دستگاه مرجعیت از آن به وجود بیاید». (مؤذنی، ۱۳۹۴، ص ۵۰۳ و ۵۰۴)

هرچند موضوع تربیت سیاسی به صراحت در گفتار و نوشتارهای شهید صدر وجود ندارد اما از لابه‌لای آنچه از ایشان برجای مانده است می‌توان فهمید که وی به مسئله تربیت سیاسی با دیده عمیق می‌نگریسته است و پرورش نیروهای اجتماعی را برای انجام فعالیت‌های سیاسی در نظر داشته است.

محمدرضا نعمانی که مدتی ملازم شهید صدر بوده است درباره الگوپذیری از انقلاب اسلامی ایران و لزوم جریان سازی اسلامی در عراق می‌گوید:

«می‌توانم قاطعانه بگویم که شهید صدر عقیده داشت فعالیت‌های اسلامی نباید صرفاً به تحرک مردمی و شور و احساسات متکی باشد، بلکه باید با دقت و دوراندیشی شیوه فعالیت خود را با توجه به شرایط و اوضاع عراق برنامه‌ریزی کند. به همین دلیل شهید صدر برای فعالیت سیاسی، برنامه‌های دیگری را طراحی کرده بود. پیش از این در موضوع {استراتژی سیاسی} شهید صدر به آن‌ها پرداخته‌ام». (نعمانی، ۱۳۹۹، ص ۳۳۹)

شهید صدر مرجعیت را در امتداد نبوت و امامت می‌داند و معتقد است که اقتضای مسئولیت مرجع این است که به‌طور مداوم ناظر و مراقب امت باشد تا اگر اصول کلی خلافت انسان، دچار انحراف شد، آن را به مسیر اصلی برگرداند.

از منظر شهید صدر، مرجع خود بخشی از امت محسوب می‌شود و می‌تواند در شرایط سیاسی مختلف دیدگاه خودش را اعمال کند و در ترسیم چشم‌انداز حرکت امت از نظر سیاسی نقش داشته باشد. بر این اساس علامه شهید به دنبال آن است تا شاخصه‌های یک جنبش سیاسی را طراحی کند و «هدف این جنبش، رهبری مستضعفان در جهت پیروزی نهایی است» (حمدانی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۳) و دستگاه مرجعیت می‌تواند و باید ترسیم شاخصه‌ها را بر عهده بگیرد.

طالب حمدانی در کتاب نظریه سیاسی شهید سید محمدباقر صدر می‌نویسد:

«از دیدگاه شهید صدر، مستضعفان یک طبقه اجتماعی هستند که قادرند یک نظام اجتماعی فرعون‌ی یعنی نظام حاکم بر امروز جهان اسلام را تغییر دهند».
(حمدانی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۳)

البته ایجاد جنبش و نهضت سیاسی که از رهگذر تربیت یافتگی سیاسی امت به نتیجه می‌رسد نیاز به چهارچوب و بایسته‌هایی دارد که نقش مرجع در تدوین آن‌ها برجسته است. شهید صدر از این چهارچوب با عنوان مکتب و مبنای شایسته‌ای یاد می‌کند که اهداف و مقاصد امت، الگوهای عالی و جهت‌گیری آن را ترسیم می‌کند.

شهید صدر در کتاب رسالتنا می‌نویسد:

«البته منظور ما از برخورداری امت از مکتب و مبنای شایسته این است که؛ اولاً مبنای مکتبی صحیح وجود داشته باشد. ثانیاً امت آن مکتب و معنا را فهم کند و ثالثاً امت به آن مکتب و مبنای ایمان داشته باشد.» (صدر، ۱۳۹۴، ص ۴۲۹ و ۴۳۰) و اگر امت این عناصر سه‌گانه را فراهم ساخت می‌تواند نهضت حقیقی را ایجاد کند که به اعتقاد شهید صدر،

مشکل اصلی امت در فقدان فهم و درک مبانی مکتب است و استعمار از این قضیه بهره‌برداری کرده است.

۲. ایجاد حزب

تشکیل حزب دومین عرصه‌ای است که می‌توان به‌عنوان زمینه‌ای برای تربیت سیاسی بیان کرد. در تعریف حزب گفته می‌شود که «حزب گردهمایی پایدار گروهی از مردم است که دارای عقاید مشترک و تشکیلات منظم‌اند و با پشتیبانی مردم برای به دست آوردن قدرت سیاسی از راه‌های قانونی مبارزه می‌کنند». (عالم، ۱۳۷۵، ص ۳۴۵)

نقش حزب و احزاب سیاسی آن‌قدر پررنگ است که از آن‌ها با عنوان «ستون فقرات دموکراسی» یاد می‌شود و «مهم‌ترین کار ویژه احزاب سیاسی، متحد کردن، تسهیل و باثبات نمودن روند زندگی سیاسی است» (عالم، ۱۳۷۵، ص ۳۴۸)

اهمیت تشکیل حزب در منظومه فکری شهید سید محمدباقر صدر نیز به‌خوبی آشکار است. وی معتقد بود «که بهترین شیوه‌ای که فعالیت‌های مختلف را با یکدیگر همسو کرده و نیرویی مؤثر شکل می‌دهد، بسیج افراد متعهد از طریق سازمان‌دهی سیاسی (حزب) است؛ زیرا این سازمان‌دهی نسبت به سایر شیوه‌های موجود، پیشرفته‌تر است». (حمدانی، ۱۳۹۵، ص ۲۸۴)

شهید صدر به‌نوعی رابطه انسان باهم نوع معتقد است که می‌تواند کار ویژه‌های نظام اجتماعی را به سامان برساند. وی در کتاب اسلام راهبر زندگی این مسئله را شرح می‌دهد و می‌گوید «امکان ندارد هدف سازندگی که تحول امت و فراخوانی همه نیروهای آن علیه عقب‌ماندگی باشد، تحقق یابد مگر آن‌که چارچوبی انتخاب شود که امت به‌راستی جذب آن شود و فعالیت سازندگی بر پایه‌ای استوار شود که امت با آن همراهی کند» (صدر، ۱۳۹۴، ص ۲۱۴)

شهید صدر ضمن مشروع و مفید دانستن تشکیل حزب، معتقد بود که احزاب باید زیرمجموعه مرجعیت صالح باشند. محمدرضا نعمانی در کتاب شرح صدر بر این نکته تأکید می‌کند که شهید صدر با حزب مخالفی نداشت، با لحاظ این مطلب که «حزب یا احزاب نه به‌عنوان یک‌نهاد رهبرانه مستقل، بلکه به‌عنوان نهادی تحت سرپرستی مرجعیت شکل بگیرند و نقش بازوهای او را ایفا کنند». (نعمانی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۵)

به نظر می‌رسد شهید سید محمدباقر صدر شاکله اصلی ضرورت تشکیل حزب و هدایت و رهبری آن توسط مرجعیت را با استفاده از مراحل تاریخی زندگی امامان اهل بیت که مورد استخراج قرار داده است، اثبات می‌کند. ایشان در تشریح مرحله دوم از مراحل زندگی امامان علیهم‌السلام؛ از پیشبرد دو خط موازی توسط حضرات معصومین (ع) نام می‌برد که عبارت است از خط اندیشه پروری و آگاه‌سازی عقیدتی و خط پشتیبانی از جریان‌های مخالف و راهنمایی آن‌ها.

شهید صدر در بیان خط دوم قائل است که بعد از شهادت حضرت امام حسین علیه‌السلام، عملاً امکان راهبری مستقیم امت وجود نداشت و بنابراین «بایسته بود تا چنین صلاحیت‌هایی به دیگر مسلمانان داده شود و امامان اهل بیت علیهم‌السلام راهنمایی و نظارت و حمایت را بر عهده بگیرند». (صدر، ۱۳۹۴، ص ۶۱۳)

شاهد ما بر این ادعا آن که شهید صدر بعد از تأسیس حزب الدعوة در سال ۱۳۷۷ قمری و تقریباً بعد از حدود پنج سال مجبور به خروج از حزب شد ولی طی نامه مفصلی که برای حزب الدعوة نوشت ضمن تأکید بر لزوم ادامه فعالیت‌های حزب چنین نوشت «آیت‌الله حکیم از من خواسته که در تشکیلات حزب حضور نداشته باشم و من این‌طور متوجه می‌شوم که این، نظر الزامی ایشان است؛ بنابراین هم‌اکنون از تشکیلات حزب خارج می‌شوم... و بدانید که من همچنان از شما در فعالیت اسلامی مبارکتان حمایت می‌کنم».

(نعمانی، ۱۳۹۹، ص ۲۶۳)

از این بالاتر آن که علامه سید محمدباقر صدر دو کُنش دیگر نیز در این مورد بروز داده است. یکی صدور فتوای تحریم عضویت حوزویان در احزاب سیاسی اسلامی است که در سال ۱۹۷۴ میلادی و پس از دستگیری‌ها و زندان و اعدام برای چند نفر از علما اتفاق افتاد و بیم آن می‌رفت که تمامیت حوزه و مرجعیت از بین برود. (نعمانی، ۱۳۹۹، ص ۲۶۹ و ۲۷۰) از سوی دیگر، برای سلب مشروعیت و بی‌اعتبار ساختن حزب بعث، فتوای حرمت پیوستن به این حزب را صادر کرد و معتقد بود که چنانچه کسی با خروج از حزب، توان اداره زندگی‌اش را دارد، واجب است از حزب خارج شود و اگر کسانی هستند که برایشان مقدور نیست تا با حزب قطع همکاری کنند باید برای نابودی حزب از درون تلاش کنند و این یک واجب شرعی است. (نعمانی، ۱۳۹۹، ص ۲۷۹ و ۲۸۰)

بنابراین ضمن آن که شهید صدر تشکیل حزب را مطابق با روش دعوت پیامبر اکرم قلمداد می‌کند و روش آن حضرت را با شیوه سازماندهی و تشکیلات بیگانه نمی‌داند. (جمشیدی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹) اما در مواقعی که شرایط اقتضا می‌کند باید پیگیری امور به اعضای حزب یا به عبارتی «کادر یا نیروهای میانی که از تخصص و تجربه نسبی برخوردار است» (نعمانی، ۱۳۹۹، ص ۲۶۱) واگذار شود و مرجعیت نقش نظارت و راهنمایی را بر عهده بگیرد.

ب: وظایف حوزه، روحانیت و دولت در تربیت سیاسی از دیدگاه شهید صدر

۱- کار ویژه حوزه و روحانیت

شهید صدر به بررسی علت فاعلی تربیت سیاسی یعنی نقش و جایگاه حوزه و روحانیت و دولت پرداخته و به این پرسش پاسخ می‌دهد که نقش حوزه، روحانیت و دولت در تربیت سیاسی چیست؟

علامه شهید صدر در بیانیه هفتم جماعه العلماء با رویکرد ابلاغ مفاهیم اسلامی به مسلمانان از تلاش استعمار برای منحرف ساختن این مفاهیم سخن می‌گوید و از تغییر نگرش نسبت به سیاست توسط استعمار به عنوان خطرناک‌ترین فعالیت استعمار یاد می‌کند. وی معتقد است که هدف استعمار این بود که چهره‌ای زشت و ناپسند که تداعی‌گر مکر و حیله و دروغ است از سیاست به نمایش بگذارد و به دنبال آن اندیشه جدایی سیاست از اسلام در افکار امت اسلامی پدیدار شد، آن‌گونه که مسلمانان سیاست را دورترین مفهوم از اسلام حقیقی تلقی می‌کردند و درنهایت امت و رهبرانشان را از مبارزه سیاسی بر ضد استعمار و مقابله با استبداد سیاسی منصرف می‌ساخت.

سید محمدباقر صدر این را هم اضافه می‌کند که برخلاف القائات استعمار، سیاست معنایی پیراسته از آلودگی دارد و به معنای سرپرستی شئون امت و مدیریت روابط داخلی و خارجی آن‌ها است.

«هر مسلمان کاملی باید از فهم سیاسی صحیح به معنای اسلامی آن برخوردار باشد و این فهم خود را بر مبنای اسلامی بنا کند؛ چه این که هر مسلمان بنا به ماهیت اسلامی‌اش، باید مسئله امت و شئون آن را مسئله اول در زندگی خود قرار دهد و با تمام توان و امکانات خود در آن نقش ایفا کند.» (مؤذنی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۰ تا ۳۶۲)

شهید صدر رضوان‌الله علیه سه رویکرد نسبت به دنیا را برای طلاب شرح می‌دهد که عبارت‌اند از:

الف) رویکرد دنیاگرایی و مصلحت‌جویی؛

ب) رویکرد دنیا‌گریزی و معنویت‌گرایی؛

ج) رویکرد دنیا‌نگری و تکلیف‌گرایی؛

رویکرد سوم معطوف به اهداف دین و مسئولیت در برابر آن اهداف است و کسانی که در این رویکرد جای می‌گیرند می‌توانند کار انبیا و اوصیا را انجام بدهند. (مؤذنی، ۱۳۹۸، ص ۱۹ تا ۲۸)

علامه صدر در تقسیم‌بندی دیگری، نگاه به علم را در سه بخش تعریف می‌کند که عبارت‌اند از:

الف) علم‌گرایی محض؛

ب) رویکرد سلبی به علم؛

ج) علم‌گرایی هدفمند؛

علم را وسیله‌ای برای ایفای مسئولیت در برابر امت معرفی می‌کند که هدایت و روشنگری در پرتو آن اتفاق می‌افتد.

شهید صدر دو نگاه رودررو را ترسیم می‌کند که نقش حوزه و روحانیت را در تربیت سیاسی جامعه برجسته می‌سازد.

یک نگاه این است که حوزه از دید امت، سخنگوی اسلام و گره‌گشای مشکلات زندگی است و این مسئله‌ای نیست که بی‌اساس باشد بلکه از همان هنگام که موضوع نیابت عامه حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه مطرح شد، مسئولیت حوزه و روحانیت برای دفاع از اسلام نیز برجسته شد.

وقتی این نگاه ایجاد می‌شود، زاویه دیگری در مقابلش پدید می‌آید که چون مسئولیت و نیابت متوجه حوزه است پس به‌ناچار رهبری و هدایت امت نیز بر دوش او قرار

می‌گیرد و باید در مواجهه با امت نقش فرد و جامعه را به‌طور یکسان در نظر بگیرد و علاوه بر افراد به نیروهای اجتماعی که قوای سیاسی را شکل می‌دهند نیز توجه کند.

اهمیت تربیت سیاسی امت و رسالت حوزه و روحانیت را باید در تلاش‌های شهید صدر و همکاری با جماعه العلماء نجف در انتشار مقالات تبیینی جستجو کرد.

هرچند ایشان به لحاظ سن کمی که داشت عضو رسمی این تشکل محسوب نمی‌شد اما شخصیتی اثرگذار در جماعه العلماء محسوب می‌شد.

آن‌طور که شهید سید محمدباقر حکیم می‌گوید؛ کار ویژه و هدف اصلی تأسیس جماعه العلماء در سال ۱۹۵۸ میلادی، معرفی اسلام به‌عنوان یک قدرت فکری و سیاسی اصیل بوده است که باید در مقابل جریان مارکسیسم و جریان قوم‌گرا ایستادگی می‌کرد و مردم را از ورود در ورطه افکار انحرافی نجات می‌داد. (نعمانی، ۱۳۹۹، ص ۱۸۷)

اهتمام شهید صدر به تغییر نگاه امت نسبت به مسئله سیاست را می‌توان در بیانیه‌های هفتگانه جماعه العلماء و به‌ویژه بیانیه هفتم مشاهده کرد که به‌خوبی خط سیر تربیت سیاسی را ترسیم می‌کند.

سید محمدباقر حکیم همچنین درباره جماعه العلماء و نقش شهید صدر می‌نویسد:

«طرح عملی شهید صدر برای جماعه العلماء این بود که سازمانی از علمای آگاه تشکیل شود که آمادگی داشته باشند هرچند به میزان اندک در اقدامات سیاسی مشارکت کنند تشکیل این گروه از آنجا اهمیت دارد که اقدامات اساسی، از رهگذر وجود این تشکیلات ماهیت اجتماعی پیدا می‌کند. این تشکیلات می‌تواند اهداف ذیل را محقق کند:

الف) ایجاد تشکلی بارز یا طلیعه‌ای سیاسی که در نگاه امت مشروعیت داشته باشد.

ب) سوق دادن امت به سمت فعالیت سیاسی و مشروعیت بخشیدن به آن.

ج) تقویت فعالیت سیاسی در محافل حوزوی.

د) مبارزه با جریان‌های فرهنگی و سیاسی دارای ماهیت الحادی که نیازمند ورود حوزه به صورت فعال و گسترده در این عرصه بود». (نعمانی، ۱۳۹۹، ص ۱۹۲)

بخش دوم: کار ویژه دولت

در ترویج و گسترش تربیت سیاسی جامعه، نقش و جایگاه دولت بسیار اساسی و برجسته است؛ زیرا تربیت سیاسی تقویت در پیوندهای اجتماعی که مورد نظر شهید صدر نیز است تأثیر چشمگیری دارد.

همچنین «در ادبیات جامعه‌شناسی تربیت سیاسی و علوم تربیتی، تربیت سیاسی یکی از مفاهیم مهم و اساسی و از سازوکارهای مهم در ارتباط با شهروندسازی و ایجاد و نهادینه کردن فرهنگ مدنی است... و بخشی از فرآیند توسعه به شمار می‌رود که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه در سایر بخش‌ها باشد.» (برزگر و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۲)

از آنجاکه مردم یا جمعیت از عناصر بنیادی دولت محسوب می‌شوند بنابراین باید به بررسی مسئولیت‌های دولت در تربیت سیاسی نیروهای اجتماعی توجه کرد.

مقصود از دولت، مفهوم رایج آن که در تعریف دولت گفته می‌شود نیست بلکه مراد «جامعه‌ای است که در آن قدرت سیاسی تمرکز یافته و نهادهایی برای تحقق، حفظ و استفاده مطلوب از آن در جهت رساندن جامعه به خیر و سعادت به وجود آمده است. در این معنا دولت و نظام سیاسی مفهومی است عام که نهادهای گوناگونی و از حکومت را برای تحقق اهداف خود تشکیل می‌دهد» (جمشیدی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۰)

شهید صدر با نگاه به تحقق خلافت عمومی انسان در زمین، این‌گونه دولت را تعریف

می‌کند:

«الدولة هي المظهر الأعلى للوحدة السياسية آلتی توجد بين جماعة من الناس»

(صدر، ۱۴۳۴ ق، ج ۱۷، ص ۲۵۴)

دولت، مظهر و نشانه والای وحدت سیاسی در میان جامعه انسانی است.

«سید محمدباقر صدر در تبیین این تعریف بر عنصر وحدت سیاسی تأکید می‌کند که ناشی از وجود جمعی مردم می‌باشد. این وحدت سیاسی انعکاسی از وحدت عمومی انسان‌ها، به‌عنوان جانشینان خدا در زمین است.» (جمشیدی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۱)

آن‌طور که بیان شد، مراد از دولت در اینجا به معنای قوای سه‌گانه یا هیئت دولت نیست زیرا «مفهوم حکومت را اغلب با مفهوم دولت درمی‌آمیزند و حکومت در حقیقت از عناصر بنیادی دولت محسوب می‌شود.» (عالم، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷) و «دولت که مظهر نظم و سامان اجتماعی است بدون حکومت معنا ندارد، بلکه حکومت دستگاه اجرایی و تحقق‌بخش دولت در جامعه و شرط حقیقی و ضروری و اجتناب‌پذیر آن است.» (جمشیدی، ۱۳۸۷، ص ۲)

اکنون می‌خواهیم ببینیم که وظایف دولت - حکومت - درباره تربیت سیاسی جامعه چیست؟

در این زمینه چند محور قابل تحلیل و بررسی است.

محور اول: تبعیت و اطاعت‌پذیری و به عبارتی جامعه‌پذیر ساختن امت از لحاظ سیاسی

«جامعه‌پذیری سیاسی انسان‌ها در واقع زیرمجموعه یا شاخه‌ای از جامعه‌پذیری آن‌ها در نظام اجتماعی می‌باشد. در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی، افراد با سیستم سیاسی در نظام اجتماعی آشنا می‌شوند و عکس‌العمل خویش را در مقابل پدیده‌های سیاسی تعیین می‌کنند.» (ایمانی، ۱۳۶۹، ص ۸۵)

شهید صدر با تأکید بر این مطلب که دولت یک ضرورت اجتماعی و پدیده‌ای اصیل است، آن را نماینده مصالح اجتماعی می‌داند و «مصالح اجتماعی نه مصلحت یک موجودی اصیل به نام جامعه در برابر افراد بلکه به مفهوم مجموع مصالح اشخاص یا مصلحت جمع (مصلحت عمومی) می‌باشد.» (جمشیدی ۱۳۷۷، ص ۲۵۹)

شهید صدر از سویی با تقسیم‌بندی اشکال حکومت اسلامی، در مجموع اطاعت از حکومت را در هر سه شکل آن واجب و لازم می‌داند. (مؤذنی، ۱۳۹۳، ص ۲۸۱ و ۲۸۲) و از سویی دیگر با استناد به حدیث نبوی «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». (مجلسی، ۱۴۰۳ ه ق، جلد ۷۲، ص ۳۸) وظیفه حکومت اسلامی را رعایت و حفظ شئون امت بر اساس شریعت اسلامی می‌داند. (مؤذنی، ۱۳۹۳، ص ۲۸۶)

بنابراین رعایت مصالح اجتماعی اقتضا می‌کند که دولت یا همان حکومت، برای حفظ جایگاه امت، در جهت تبعیت‌پذیری آن‌ها تلاش کند و از آنجایی که به اعتقاد شهید صدر «بینش سیاسی اسلام صرفاً بینشی شکلی از زندگی اجتماعی نیست، بلکه بینش عمیق سیاسی است که بازگشت آن به نگرش کامل و کلی به زندگی، هستی، اجتماع، سیاست، اقتصاد و اخلاق است.» (صدر، ۱۳۹۴، ص ۳۴۲) لازم است تا دولت - حکومت - این دو وظیفه را بر عهده بگیرد:

الف) تربیت انسان‌ها بر اساس طرز تفکر اسلامی و شکل‌دهی گرایش‌ها و احساسات آن‌ها بر مبنای آن طرز تفکر.

۱. البته در شکل سوم که حکومت با مبانی اسلامی مخالفت می‌کند، سه وظیفه متوجه مسلمانان است؛ اول تلاش برای عزل، دوم امر به معروف و نهی از منکر و سوم عدم اطاعت مگر در مواردی که مصالح عالی‌تر اسلام بر آن متوقف باشد.

ب) نظارت بر آن‌ها و بازگرداندنشان به اصول فکری اسلامی در صورتی که در عمل از آن اصول منحرف شدند. (صدر، ۱۳۹۴، ص ۳۴۲)

و بدیهی است که هدایت جامعه به سوی اطاعت‌پذیری از مسلمات تفکر و اصول فکری اسلام است و بر امت نیز واجب است تا از حکومت اطاعت کنند. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ». (سوره نساء (۴)؛ آیه ۵۹)؛ «خدا را فرمان برید و از پیامبر و اولیای امر اطاعت نمایید».

و «بی‌تردید، این آیه به‌روشنی بر وجوب اطاعت از اولیای امر دلالت دارد و مسلمانان در این‌که اولیای امر کسانی هستند که در جامعه اسلامی دارای حکومت شرعی می‌باشند، باهم اختلافی ندارند؛ هرچند در تعیین آنان و نیز شرایط و اوصافشان با یکدیگر موافق نیستند». (حسینی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۴۴)

محور دوم: مشارکت سیاسی مردم و حضور در عرصه‌های گوناگون

«در اندیشه سیاسی اسلام، نزدیک‌ترین نظریه‌ای که با ایده مشارکت هم‌نشینی مفهومی و معنایی دارد و درعین حال به لحاظ منطقی با آن سازگاری می‌یابد، نظریه شورا یا مشورت است. شورا در اصل، ایجاد قدرت سیاسی از لایه‌های پایین جامعه معنا می‌دهد و از همین رو به استوار کردن نظام قدرت برمدار تصمیم‌گیری شورایی و اعمال قدرت و مدیریت برمدار مشورت خواهی از مردم و لزوم مشارکت همگانی دلالت دارد... شورا در اسلام، نهادی اجتماعی_سیاسی است که راهبری جامعه و اعمال حکمرانی را بر اساس خرد جمعی تعریف می‌کند». (رحمت‌اللهی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۵۷۶)

مشارکت سیاسی به معنای «شرکت دلخواهانه و غیر تحریک‌شده مردم در جریان تعیین سیاست‌های مملکتی و جریان انتخاب حکام و رهبران سیاسی و مجاهدات

سازمان یافته مردم برای انتخاب رهبران و تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت و هدایت آن از طریق افکار عمومی است». (جمشیدی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۶ و ۲۹۷)

قرآن کریم به موضوع شورا به‌عنوان عنصری برای مشارکت مردم در حکومت توجه کرده است و این از لوازم خلافت الهی انسان در روی زمین است که برای تحقق آن باید مشورت و مشارکت سیاسی در جامعه به ارزشی والا تبدیل شود.

شهید صدر رضوان الله علیه در این باره می‌گوید:

«اصولاً قرآن عادت دارد در مسائل اجتماعی و کارهای حکومت مستقیماً با امت سخن گوید و آن‌ها را مورد خطاب قرار دهد تا امت پیوسته نسبت به وظیفه خود در خلافت الله بر روی زمین هشیار باشد». (جمشیدی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۹)

ایشان با توضیح آزادی سیاسی در نظام سرمایه‌داری و رعایت نظر اکثریت در تصمیم‌گیری‌ها، ظلم به حقوق اقلیت را از جمله مصائب نظام سرمایه‌داری می‌داند و درجایی دیگر تأکید می‌دارد که از ویژگی‌های خلافت بشری تساوی در مناسبات اجتماعی است؛ بنابراین ضرورت واداشتن مردم به مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از اجزاء تشکیل‌دهنده تربیت سیاسی تنها به عصر غیبت معصوم منحصر نمی‌شود؛ بنابراین «خداوند متعال بر پیامبر با آن که رهبری معصوم است واجب کرده که با مردم مشورت کند و آن‌ها را از مسئولیت‌هایشان در خلافت آگاه کند». (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۸۰) «و شاورهم فی الأمرِ فإذا عزمْتَ فتوکلْ علی الله» (سوره آل عمران (۳)؛ آیه ۱۵۹)؛ و در کارها با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.

تأکید بر مشورت معصومان با امت شاهدهی است بر اهمیت نقش دولت _حکومت_ در تربیت سیاسی جامعه؛ زیرا از نگاه شهید صدر مشورت معصوم با امت در حقیقت فراهم‌سازی جامعه برای تحقق خلافت الهی و سهیم شدن در سازندگی سرنوشت است.

بر همین اساس، شهید سید محمدباقر صدر در متنی که به‌عنوان اندیشه‌های بنیادین پیش‌نویس قانون اساسی نگاشته است، ضمن تأکید بر حق اعمال دیدگاه و انجام فعالیت‌های سیاسی از جانب امت، آموزش هدفمند و آگاهانه اسلام به شهروندان و شکل دادن هویت اسلامی را برای استحکام فکری امت موردتوجه قرار می‌دهد (صدر، ۱۳۹۴، ص ۳۵ و ۳۶) و آن‌چنان‌که پیش‌تر گفته شد، منظور وی از آموزه‌های اسلامی، مضامین و محتواهایی است که به تقویت جبهه حق در برابر استعمار کمک می‌کند.

جمع‌بندی

نوع نگاه شهید صدر به مرجعیت به‌گونه‌ای است که آن را از سایر فقها متمایز می‌کند. وی به سازمان مرجعیت می‌اندیشد که رسالتش در راستای تحقق نقش خلیفه الهی انسان است و باید انسان را برای دستیابی به زندگی سعادت‌مند که شالوده‌اش بر سیاست بنا نهاده شده است تربیت کند؛ زیرا حیات انسان و جامعه منوط به تشکیل حکومت اسلامی است و لازمه ایجاد و تداوم حکومت نیز پرورش سیاسی انسان است.

نگرش سید محمدباقر صدر به مرجعیت ناشی از نوع نگاه او به تشیع است. او ضمن رد این ادعا که ظهور تشیع همراه با گرایش‌های معنوی و مذهبی صرف بوده است می‌گوید:

«تشیع به‌مثابه نظریه «تداوم رهبری فکری، اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توسط علی علیه‌السلام» در دامن اسلام تولد یافت. همچنان‌که در فصل‌های گذشته، آنجا که درصدد بیان اوضاعی که موجب ظهور تشیع

شده بودیم، این مسئله را توضیح دادیم؛ بنابراین به حکم آن اوضاع، ممکن نبود در نظریه تشیع، وجه معنوی - مذهبی از وجه سیاسی جدا شود؛ همچنان که در خود اسلام این دو، انفکاک ناپذیرند؛ بنابراین تشیع به هیچ وجه تجزیه بردار نیست مگر اینکه مفهوم خود را - به عنوان نظریه‌ای برای حمایت و صیانت آینده دعوت اسلامی که قطعاً هم به مرجعیت فکری نیازمند است و هم به زعامت سیاسی، از دست بدهد.»

درواقع نقش مرجعیت، همان نقش امامان اهل بیت علیهم السلام است و آن گونه که حرکت آن ذوات مقدسه به عنوان ساسه العباد هیچ‌گاه از تربیت نیروهای زبده برای اداره امور جامعه به دور نبوده است، دستگاه مرجعیت صالحه نیز در «عصر غیبت، مرجعیت نیز تداوم بخش نقش امامت است و مسئولیت این رسالت بزرگ را بر عهده دارد. در این راستا، مرجعیت در طول تاریخ در جهت برپایی حکومت صالح و یا تمهید مقدمات آن به اشکال مختلف اقدامات گوناگونی انجام داده است.»

در موضوع تشکیل حزب سیاسی نیز، نکته گفتنی آن است که شهید سید محمدباقر صدر رضوان الله علیه، معیار و ملاک سیاست ورزی داخلی و خارجی را قانون اساسی و مصلحت اسلامی می‌داند و آن چنان که از کلامش برمی‌آید، تحزب را بر اساس رعایت مصلحت اسلامی مسلمانان - که عبارت است از بهترین وضعیت ممکن برای اسلام به عنوان یک آئین جهانی و مبنای حکومت - می‌پذیرد.

شاهد بر این مطلب آن است که شهید صدر آنگاه که احساس می‌کند عضویت در حزب اسلامی به کیان اسلام و حوزه و روحانیت ضرری وارد می‌سازد، فتوای تحریم پیوستن به حزب را صادر می‌کند و این در واقع نوعی تربیت سیاسی محسوب می‌شود؛ زیرا به شاگردان و مقلدانش می‌آموزد که تقوای سیاسی مقدم بر تربیت سیاسی است و هدف ما از ایجاد حزب، کسب قدرت و منصب اجتماعی نیست بلکه به دنبال آنیم تا از این رهگذر، نیروهای اجتماعی را برای سازندگی سیاسی رشد و ارتقاء بدهیم.

شهید صدر، در باب مسئولیت‌های حوزه سه محور اساسی را تعیین می‌کند:

محور اول: تبیین نظری

محور دوم: دفاع نظری

محور سوم

ایشان در شرح و توضیح محورهای سه‌گانه، بر چند نکته تأکید می‌ورزد که در حقیقت رسالت حوزه و روحانیت درباره تربیت سیاسی امت را آشکار می‌کند.

نکته اول این است که شهید صدر اعتقاد دارد که تبلیغ اسلام باید تمامی عرصه‌های زندگی را در برگیرد زیرا اسلام یک نظام جامع است و حتی باید رساله‌های عملیه از اسلام فرا فردی سخن بگویند که جامعه و حکومت را هم دربرمی‌گیرد.

نکته دوم آن است که دفاع از ساحت اسلام باید در دو عرصه رخ بدهد:

یکم: دفاع از وجود عینی اسلام که عبارت است از تلاش برای موجودیت اسلام و نجات آن از سلطه استعمار غرب و شرق.

دوم: دفاع از وجود نظری اسلام که به معنای کاربست روش‌های مختلف از طریق گفت‌وگو و منطق برای اثبات برتری و تکامل نظریه اسلامی است.

در بخش دفاع نظری از اسلام، مسئولیتی که متوجه حوزه و روحانیت می‌شود آن است که برای تربیت امتی تلاش کند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و برجسته شدن این فریضه در جامعه در واقع نشان‌دهنده سطح تربیت‌یافتگی جامعه از لحاظ سیاسی است زیرا هر معروف و منکری که احیاء یا زائل می‌شود در حقیقت به تقویت ارکان حکومت و جامعه اسلامی کمک خواهد کرد.

دولت نیز در اندیشه شهید صدر نقش اساسی در هدایت جامعه به سوی تربیت‌یافتگی سیاسی دارد. توضیح آن که از منظر سید محمدباقر صدر دولت اسلامی از استحقاق سیاسی برخوردار است و چون مدیریت سیاسی عالی اسلام بر عهده او است پس از نظر شرعی موظف به اجرا، گسترش و حفظ اسلام می‌باشد. دایره این استحقاق به مرزهای خاصی محدود نمی‌شود؛ «زیرا کیان سیاسی دولت اسلامی بر مبنایی فکری استوار است که سرزمین‌ها نسبت به آن تفاوتی ندارند. بر این اساس، اسلام که در حکومت اسلامی تجلی می‌یابد نسبت به همه زمین حق شرعی دارد و لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (سوره انبیاء (۲۱)؛ آیه ۱۰۵؛ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد و بنابراین، حکومت اسلامی حق دارد همه نقاط زمین را تحت سلطه سیاسی خود درآورد».

بر این اساس، لازمه به سلطه درآوری و فرمان‌پذیر ساختن جامعه آن است که دولت برای هدایت و تربیت سیاسی افراد جامعه تلاش ویژه داشته باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. بشیریه، حسین، (۱۳۹۶)، جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران، نشر نی، چاپ بیست و ششم
۲. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۷) اندیشه سیاسی شهید رابع امام سید محمدباقر صدر، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، چاپ اول
۳. حمدانی، طالب، نظریه سیاسی شهید سید محمدباقر صدر، (۱۳۹۵) اسما خواجه‌زاده، قم، کتاب فردا چاپ اول
۴. صدر، سید محمدباقر (۱۴۳۴ ق)، موسوعه الإمام الشهدید السید محمدباقر الصدر قدس سره، قم، دارالصدر، چاپ دوم، ج ۱۷
۵. صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۳) اقتصاد ما، حسینی، ابوالقاسم، برهانی، مهدی، قم، دارالصدر، چاپ اول، ج ۱
۶. صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۳) بارقه‌ها، مؤذنی، امید، قم، دارالصدر، چاپ اول
۷. صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۸) حوزه و بایسته‌ها، مؤذنی، امید، قم، دارالصدر، چاپ اول
۸. صدر، سید محمدباقر، اسلام راهبر زندگی (۱۳۹۴)، زندیه، مهدی، قم، دارالصدر، چاپ دوم
۹. صدر، سید محمدباقر، (۱۳۹۴)، امامان اهل بیت علیهم‌السلام مرزبانان حریم اسلام، رضا ناظمیان و حسام حاج مؤمن، قم، دارالصدر چاپ اول
۱۰. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۵) بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ دوم
۱۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ ه ق) بحار الأنوار، جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، جلد ۷۲
۱۲. نعمانی، محمدرضاء، شرح صدر، (۱۳۹۹) اسما خواجه‌زاده، قم، دارالصدر، چاپ اول
۱۳. مقالات:
۱۴. ایمانی، محمدتقی، (۱۳۶۹) جامعه‌پذیری سیاسی، جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان)، شماره ۳
۱۵. برزگر، رقیه و دیگران، (۱۳۹۸) تربیت سیاسی: اهداف، سازوکارها و بایسته‌های روشی آن، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۷
۱۶. تربیت سیاسی: چیستی، آسیب‌ها و راهکارها، فصلنامه راه تربیت، سال دوم، شماره پنجم، تابستان ۸۷
۱۷. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۷)، مفهوم و چیستی حکومت در اندیشه سیاسی شهید صدر، فصلنامه سیاست، شماره ۷
۱۸. رحمت‌اللهی، حسین و دیگران، (۱۳۹۴) جایگاه مشارکت در اندیشه سیاسی اسلام، مجله علمی پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۱، شماره ۳



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی